

## روند شکل‌گیری و توسعه فضایی شهر تهران آزیتا رجبی - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

### چکیده:

هدف این مقاله بررسی سیر تحول تاریخی تهران در بستر جغرافیایی محلات آن است؛ چیزی که به شکل‌گیری محلات فعلی تهران انجامیده است. در این مقاله نگارنده سعی نموده تهران را در هفت مرحله حساس تاریخ شکل‌گیری آن مطالعه کرده و محلات گذشته آن را با محلات فعلی تطابق دهد. بیشتر بحث، حول محور مکان جغرافیایی محلات قدیم و تجسم دیروز تهران بر پیکره امروز استوار است. به عبارت دیگر مقاله حاضر بر اساس بستر جغرافیایی محلات تهران در طول تاریخ شکل‌گیری آن تدوین شده است.

### مقدمه

تهران کلان‌شهری که بیشتر بافت خود را مدیون چهار دهه اخیر می‌باشد، نه تنها در سطح ملی هویت‌ساز نبوده، بلکه اندک شخصیت به جا مانده از گذشته خود را نیز از دست داده است. تهران امروز آمیزه‌ای از تضادهای فضایی است و روند کهنگی بافت‌های مرکزی شهر و نوسازی و بلند مرتبه‌سازی محلات شمالی و تازه تأسیس آن، نمود بارزی از این مدعاست. محلات شهر تهران از نظر سطح و جمعیت تحت پوشش آن یکسان نبوده و شکل‌گیری محلات، تابع عواملی چون زمان پیدایش محلات، موقعیت قنات، ساختار اجتماعی محلات و طوایف ساکن در آن، روستاهای الحاقی و زمینهای مرغوب، خصوصاً باغات معروف و مالکیت‌های بزرگ بوده است. تغییرات کالبدی در چهره تهران با برش غیر اصولی بافت قدیمی آن به منظور ایجاد معابر اتومبیل‌رو آغاز گردید و از اینرو چهره دگرگونی برای تهران ساخت. در نتیجه خیابانهای تهران به سه دسته اصلی تقسیم شد:

#### ۱- خیابانهای اولیه تهران قدیم

با اجزاء و عناصر ایرانی - اسلامی که تقریباً قابلیت تردد اتومبیل نداشته و در دهه‌های اخیر واپس‌گرایی اجتماعی یافته و از منزلت سکونتگاهی آنها کاسته شده است و بیشتر، کاربری تجاری

گرفته‌اند. زمانی بافت مسکونی این محلات بسیار فشرده، بدون فضای خالی قابل توجه و در عین حال بسیار همگن و بهم پیوسته بوده و از قرارگیری اندام و این فضاها در کنار گذرها و معابر پر پیچ و خم، مجموعه‌ای با هویت مشخصه با روح و چند عملکردی بوجود آمده است که در واقع می‌توان گذشته گم شده تهران را در آن یافت. نمونه بارز آن بازار و محلات وابسته به آن است که C.B.D. یا مرکز تراکم تجاری\* تهران تلقی می‌شود.

## ۲- خیابانهای نسبتاً جدیدتر عصر رضاخانی

که امکان تردد اتومبیلها به صورت محدود در آنها وجود داشته و در این فضاها نوسازی، بیشتر با فرهنگی تقلیدی از اروپا شکلهای سنتی را در هم شکسته است، مثل خیابانهای لاله‌زار و نادری.

## ۳- خیابانهای اتومبیل‌رو و جدید تهران

با فضا سازی‌های نامأنوس و فاقد روح، مجموعه‌ای از برج‌ها و پل‌ها و آپارتمان‌ها و خیابانها و میادین که نه دیگر گذشته‌ای را حمل می‌کند نه نویدی از آینده می‌دهد.

آنچه ما حفظ میراث فرهنگی شهرمان می‌دانیم، چیزی جز بقایای عصر تجدد نیست و از روح جامعه و تبلور اندیشه‌های آن بر نمی‌خیزد. جغرافیدانان، شهرها را از نظر خاستگاه به دو دسته اصلی تقسیم می‌کنند.

اول - شهرهایی که منشاء شهری داشته و در واقع از آغاز شهر بوده‌اند.

دوم - شهرهایی که منشاء روستایی داشته و در طول زمان به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبدیل به شهر شده‌اند.

در این میان پایتخت ما نیز جزء گروه دوم تلقی می‌گردد. زیرا تهران بر بستر روستاهایی شکل گرفته که روزگاری از توابع حاصلخیزی بوده‌اند و از دامنه جنوبی البرز تا دشت ورامین را در نور دیده و در قلب خود هسته ده باستانی طهران را (که در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته) در بر دارد. در واقع هسته اصلی تهران در مرکز آن و در محلات بازار و اطراف آن خلاصه می‌گردد. محلاتی که

\*. central Business district

در سایه گذر زمان زنجیروار به یکدیگر پیوند خورده و مجموعه‌ای ساخته‌اند که لایه‌های تاریخی بر حسب قدمت، پیرامون آن توسعه یافته‌اند.

هسته تاریخی تهران در سه حلقه تودرتوی حصارهای تهران قرار گرفته است. (حصار ارگ، حصار شاه طهماسب، حصار ناصری). می‌توان گفت که هسته اولیه ده طهران در محدوده بازار قرار داشته که در ابتدا مرکز داد و ستد و سکونت اهالی طهران بوده و بعدها مجموعه‌های سلطنتی، اداری و سیاسی در بخش شمالی آن جای گرفته و مناطق مسکونی در دو جهت جنوبی به سمت ری و شمالی به سمت مناطق ییلاقی (طبقات اشراف تهران) یعنی شمیران گسترش یافته‌اند. لیکن در این فرایند، مناطق شرقی و غربی هسته مرکزی نیز بی‌نصیب نمانده‌اند.

بانگاهی به گذشته نه چندان دور این شهر می‌توان دریافت که اوایل قرن حاضر تمامی ارکان شهرهای ایرانی با عناصر اسلامی مناطق خشک در تهران قابل رویت بودند و در اوایل سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۲ تمامی این شالوده‌ها از هم گسسته شدند.

شناخت ارکان اصلی الگوی شهرهای ایرانی با عناصر اسلامی در تهران قدیم چندان مشکل نیست.

این ارکان عبارتند از: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- هسته مرکزی

پرتال جامع علوم انسانی

- مجموعه محلات مسکونی

- استحکامات شهری

- تجهیزات و فضاهای خدماتی مکمل شهری

- حاکمیت فرهنگ اسلامی بر ساخت و سازهای شهری و محله‌ای، وجود سلسله مراتب چه در

اولویت کارکرد دینی چه کارکردهای اقتصادی (صنف بندی)

الف - در مورد هسته مرکزی، مکان آن شامل بازار - مقر حکومتی (خیابان ارگ) - مراکز مذهبی

(مسجد شاه سابق) و راههای اصلی شهر در بخش مرکزی تهران قدیم به وضوح نمایان است.

ب - مجموعه محلات قدیمی تهران با بافتی فشرده در داخل حصارهای شهر با فضاهای خدماتی

محله‌ای و ساختار اجتماعی خاص خود و شبکه دسترسی بسیار پیچیده خانه‌ها، معرف خوبی برای

محلات تیپ اسلامی هستند. از جمله این محلات سنگلج، چال میدان، عودلاجان و بازار است.

ج - استحکامات شهری شامل برج و بارو و حصار دروازه‌ها و خندق‌ها که مجموعه قصرها و عمارات و محلات شهری را در میان گرفته، مثل حصار ناصری.

د - مجموعه تجهیزات و فضاهای خدماتی مکمل شهری در حاشیه یا بیرون شهر مثل گورستانها، بازارگاهها از جمله بازار مال فروشان و گاه فروشان و گمرک و گورستانهای قدیم تهران.

محیط شهر موزائیکی از محلات و فضاهای کهنه و نو در کنار یکدیگرند، لیکن متأسفانه از آنچه هویت حقیقی تهران بوده، امروز جز چند عمارت و بازارچه و چند ساختمان و بخشی از بازار تهران چیزی باقی نمانده است. تصویر تهران امروز، ترسیمی از اجزاء ساخته شده در عصر پهلوی و فضاهای منجمد و بی‌روح امروزی است که در لابه‌لای آن ممکن است بقایای چهره دیرینه آن را هر چند کمرنگ، بیابیم.

ه - حاکمیت فرهنگ اسلامی که بارزترین نمود آن حاکمیت فضای معنوی بر فضای شهر، خصوصاً نقش مسجد به عنوان هسته وحدت بخش فضای شهرهای اسلامی است و وجود سلسله مراتب کارکردی به طوری که کارکردهای دینی مثل مسجد جامع در اولویت فضا سازی شهری قرار می‌گیرد (و سلسله مراتب بازرگانی و پیشه‌وری در درون بازار که به راسته‌ها و گذرها حیات می‌دهد).

## توسعه تهران

در فرایند توسعه تهران از روستایی کوچک تا کلانشهر ملی، مراحل ذیل آشکارا خودنمایی می‌کند:

### ۱- مرحله نخستین روستای طهران

شاید بهتر باشد بگوییم تهران از مجموعه روستاهایی (بالغ بر یکصد و بیست روستا) تشکیل گردید که روزگاری هریک از آنها از اراضی حاصلخیز دامنه جنوبی البرز به حساب می‌آمدند. (جدول ۱) ابن حوقل در قرن چهارم در کتاب صورة الارض می‌نویسد: (۱)

طهران در شمال ری واقع و در کتاب نزهة القلوب خود، واژه تهران را به صورت «تیران» نوشته و این تصور را ایجاد می‌کند که تهران، بزرگ و مهم بوده و از نظر آب و هوا بر «ری» برتری

داشته است.<sup>(۱)</sup>

جدول ۱ - روستاهایی که در شهر تهران حل شده‌اند

روستاهای تابعه شمیران که در قلب تهران جای گرفته‌اند		
۴۵ - محمودیه	۲۳ - سرخ حصار	۱ - اکبرآباد
۴۶ - منظریه	۲۴ - سعد آباد	۲ - امامیه (حکیمیه)
۴۷ - مهدی آباد	۲۵ - سلطنت آباد	۳ - اوین
۴۸ - مهران اردشیر	۲۶ - شمس آباد	۴ - باکک
۴۹ - مهران قورخانه	۲۷ - شیان	۵ - تجریش
۵۰ - نارمک	۲۸ - ضرابخانه	۶ - جماران
۵۱ - نازی آباد	۲۹ - امامزاده قاسم	۷ - جعفرآباد
۵۲ - نیاوران	۳۰ - فرح آباد	۸ - جمال آباد
۵۳ - ولنجک	۳۱ - فرحزاد	۹ - جوادیه
۵۴ - ونک	۳۲ - فرمانیه	۱۰ - چاله هرز
۵۵ - همه سین	۳۳ - قلعه ارامنه (ونک)	۱۱ - چیدر
۵۶ - زرگنده	۳۴ - قلهک	۱۲ - حسن آباد ضیعی الدوله
۵۷ - حصارک	۳۵ - قاسم آباد	۱۳ - حشمتیه
۵۸ - سوهانک	۳۶ - قنات کوثر	۱۴ - خواردین
۵۹ - اقدسیه	۳۷ - قیطریه	۱۵ - دارآباد
۶۰ - حصارفرج	۳۸ - کاشانک	۱۶ - دربند
۶۱ - رحمان آباد	۳۹ - کاظم آباد	۱۷ - دروس
۶۲ - اراج	۴۰ - کامرانیه و حصاربوعلی	۱۸ - داوودیه
۶۳ - ازگل	۴۱ - لویزان	۱۹ - درکه
۶۴ - ضرابخانه	۴۲ - مبارک آباد	۲۰ - دزاشیب
	۴۳ - مجیدیه	۲۱ - رستم آباد علیا و سفلی
	۴۴ - مجیدآباد	۲۲ - سرخک حصار

۱. سیفی قمی، تفرشی، تهران در آئینه زمان، نشر اقبال، صفحه ۱۴.

دنباله جدول ۱ - روستاهایی که در شهر تهران حل شده‌اند

روستاهای تابعه کن	روستاهای تابعه تهران	روستاهای تابعه شهری و غار که در قلب تهران هستند	
۱ - باغ فیض	۱ - امیرآباد	۲۳ - یافت‌آباد (غار)	۱ - امامزاده حسن
۲ - پونک	۲ - باغشاه	۲۴ - نعمت‌آباد (غار)	۲ - بریانک (غار)
۳ - حصار	۳ - اکبرآباد دولاب	۲۵ - کاروانسرا سنگی	۳ - دولت‌آباد قیصریه
۴ - طرشت	۴ - امانیه	۲۶ - خلاذیل	۴ - دولت‌آباد
۵ - حسن‌آباد	۵ - امجدیه	۲۷ - شهری	شعاع السلطنه
۶ - کن	۶ - بهجت‌آباد	۲۸ - جوانمرد قصاب	۵ - علی‌آباد محمدالدوله
۷ - وردآورد	۷ - باغ صبا	(غار)	۶ - قصر فیروزه
۸ - لولقان	۸ - جلالیه		۷ - قلعه مرغی (غار)
۹ - لتمر	(نصرت‌آباد)		۸ - قلعه حسن خان
	۹ - جی		۹ - ایلمان
	۱۰ - حسن‌آباد		۱۰ - اسماعیل‌آباد
	۱۱ - دولاب		۱۱ - اندرمان
	۱۲ - جمشید‌آباد		۱۲ - باقرآباد
	۱۳ - دربندسر		۱۳ - امین‌آباد
	(قصران)		۱۴ - خانی‌آباد
	۱۴ - دوشان تپه		۱۵ - عادل‌آباد
	۱۵ - سلیمانیه		۱۶ - چیتگر
	(اصفهانک)		۱۷ - مسگرآباد (غار)
	۱۶ - قزل قلاع		۱۸ - منصورآباد
	(۴ قلعه)		شعاع السلطنه (غار)
	۱۷ - قصر فجر		۱۹ - مهرآباد (غار)
	۱۸ - عباس‌آباد		۲۰ - نازی‌آباد
	۱۹ - عشرت‌آباد		۲۱ - وسفنارد (غار)
	۲۰ - یوسف‌آباد		۲۲ - هاشم‌آباد (غار)

در کتاب آثار البلاد و اخبار العباد قزوینی می‌خوانیم.<sup>(۱)</sup>  
 طهران روستایی است پر جمعیت و بزرگ، تابع مرکزی، باغ  
 و باغات زیاد و میوه باغات طهران بین میوه‌ها ممتاز است،  
 بویژه انارش.

حتی به روایت کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، افراسیاب مقابل منوچهر در دولاب  
 تهران لشکرگاه کرد.<sup>(۲)</sup>

آنچه گفته شد ثابت می‌کند که تهران روزگاری از روستاهای آباد ری بوده و همچنین موقعیت  
 استراتژیکی منحصر به فرد آن باعث گردیده که محل مخالفین حکومت باشد. قرارگیری در مسیر ری و  
 طرفداری تهرانی‌ها از علویان، عنصر مهم دیگری است که باعث شاخص گردیدن این روستا از توابع  
 دیگری گردید.

از قرائن بر می‌آید که روستای اولیه تهران در محل بازار تهران قرار داشت و طبق روایاتی که وجود  
 دارد، جهت حفاظت از جان ساکنین، خانه‌های آنها در زیر زمین تعبیه می‌شد. به گونه‌ای که جز خود آنها  
 کسی راه ورود به آن را پیدا نمی‌کرد.

دون روی دی کلادیخو سفیر اسپانیا در دربار تیمور گورکانی در قرن نهم درباره تهران می‌نویسد:  
 «تهران محلست بسیار پهناور ولی برگرد آن دیواری نیست».<sup>(۳)</sup>

این مطلب بدین معناست که تا قبل از توجه شاه طهماسب صفوی، تهران بدون دیوار و فضاهای  
 استحفاظی چون برج و بارو بوده و این به دلیل استتار خاصی است که شهر در آن زمان داشته است  
 (اماکن زیرزمینی).

بد نیست بدانیم تهران امروز در برگیرنده روستاهای تابعه چهار بخش شمیران - کن - شهر ری - غار  
 و تهران است که بیشترین روستاهای حل شده در تهران از بخش شمیران بوده‌اند (جدول ۱). یکی از  
 مهمترین ویژگیهای تهران باغات میوه و زیبای آن بود که امروز تبدیل به محلات شهری تهران گشته و  
 دیگر اثری از آنها جز نامشان باقی نمانده است (جدول ۲).

۱. صفحه ۱۱۲، ترجمه الرحمن شورا فکند، نشر حوان

۲. مرعشی، ظهیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران به اهتمام عباس شایان، صفحه ۱۱

۳. کریمان حسین، فصران بخش نخستین، صفحه ۳۳

## جدول ۲ - باغات محدوده تهران

۱ - کن: باغ بیلاقی تا انقلاب اسلامی تقریباً شکل خود را حفظ کرده بود.
۲ - دروس: از باغات باستانی که در زمان رضاخان به بام مهدی قلی خان هدایت سند سازی شد.
۳ - قصر فجر: باغی که در عصر قاجاریه قصر بیلاقی در آن به سال ۱۳۱۳ ساخته شد. (خیابان قصر فعلی)
۴ - امیر آباد: بنای این باغ متعلق به میرزاتقی خان امیرکبیر است و در جنگ جهانی دوم اردوگاه آمریکاییها شد. (خیابان کارگر)
۵ - باغشاه: در ضلع غربی تهران دروازه‌ای هم به این نام در زمان ناصرالدین شاه ایجاد شد و بعدها در زمان رضاخان تشکیلات دانشکده افسری و ارتش در محل باغ ساخته شد. (میدان حر)
۶ - باغ سلیمانی (اصفهانک): از باغات و اراضی زراعی معروف تهران نزدیک ده باستانی دولاب که تا سال ۱۳۲۰ باغ مانده بود. ولی از این سال به بعد به دست وثوق الدوله و بعد مهدی قلی خان هدایت تصاحب شد. (بلوار آهنگ یا شهید محلاتی)
۷ - عشرت آباد: باغ وسیعی در زمان ناصرالدین شاه در آن عمارت عشرت آباد ساخته شد و در زمان رضاخان به پادگان نظامی تبدیل شد. لیکن بیشتر اراضی این منطقه به نام مهدی قلی خان هدایت سند سازی شد. (خیابان سرباز)
۸ - جمشید آباد: باغی در دشت جلالیه که توسط ارباب جمشید خریده شد قبلاً متعلق به جلال الدوله بود. (جمال زاده فعلی)
۹ - جلالیه (نصرت آباد): این باغ را جلال الدوله پسر ظل السلطان ساخت و در عصر رضاخان تبدیل به میدان سان نظامی شد و بعدها تبدیل به دانشگاه تهران و پارک لاله شد.
۱۰ - یوسف آباد: باغی است که توسط میرزایوسف آشتیانی ۱۲۸۰ احداث شد و در جنگ جهانی اردوگاه اسرای لهستانی بود و مدتی نیز بیمارستان ارتش بود.
۱۱ - طرشت: که هنوز بقایای باغات آن در غرب تهران باقی است. متصل به اسکندری بود و توسط او آباد شد.
۱۲ - بهجت آباد: ادامه حسن آباد بود و متعلق به میرزایوسف آشتیانی .
۱۳ - زرگنده: باغ بیلاقی سفارت روس و محل پناهندگی محمدعلی شاه قاجار و محل تصمیم‌گیری کودتای رضاخان.
۱۴ - باغ فرمابیه: دارای قنات معروف فرمابیه به خانواده فرمابیه از شازده‌های قاجار.



## دنباله جدول ۲- باغات محدوده تهران

۱۵ - باغ امیریه (کامرانیه): متعلق به کامران میرزا.
۱۶ - باغ فردوس: نزدیک تجریش اراضی امین‌السلطان.
۱۷ - باغ صبا.
۱۸ - سعدآباد: محل مجموعه کاخهای رژیم پهلوی.
۱۹ - امجدیه: در حال حاضر محل باشگاه شیروودی خیابان بهار.
۲۰ - صاحبقرانیه (نیاوران): محل کاخ بیلاقی پهلوی.
۲۱ - داودیه: محل ورزشگاه شهید کشوری.
۲۲ - حسن آباد صنایع‌الدوله (باغ درویش).
۲۳ - حشمتیه.

## ۲- مرحله دوم: تهران عصر شاه طهماسب.

تهران در نیمه دوم قرن دهم ه. ق. مورد توجه شاه طهماسب صفوی قرار گرفت تا جاییکه قصد کرد تهران را پایتخت خود سازد و از اینرو فرمان داد به دور تهران بارویی با یکصد و چهارده برج به عدد سوره‌های قرآن کریم احداث نمایند و زیر هر برج سوره‌ای از قرآن را دفن نمود، و اطراف بارو خندقی حفر نمایند. از آنجاییکه خاک خندق کفاف ساختمان برجها و دیواره شهر را نمی‌داد، دستور داد از دو محل یا به قولی از پنج محله اطراف تهران خاکبرداری کنند. دو محل اصلی خاکبرداری به صورت گود درآمد و به نامهای "چال" در تهران معروف گردیدند. یکی چال میدان و دیگری چال حصار و سه منطقه دیگر بعدها تحت عنوان گود معروف شدند که عبارت بودند از: گود زنبوک خانه، گود دروازه محمدیه و گود فیله‌خانه.

مناطق فوق پس از رشد تهران در عصر قاجاریه و عصر ناصری، جزء فقیرنشین‌ترین مناطق تهران به حساب می‌آیند، به طوری که در محله سنگلج محدوده چال حصار و اطرافش، در عودلاجان محدوده سرپولک و چال میدان، در محمدیه گود زنبوک خانه و صابون پز خانه شامل پایین‌ترین طبقات اجتماعی شهر چون غربا، دراویش، فقرا و ... می‌شدند.

تهران عصر شاه طهماسب چهار دروازه داشته که عبارت بودند از دروازه عبدالعظیم، دروازه

شمیران، دروازه قزوین و دروازه دولاب.

### ۳- مرحله سوم: تهران، پایتخت آغامحمد خان

آغا محمد خان قاجار از سنین طفولیت همراه با پدرش محمد حسن خان مدتی در تهران زندگی کرده بود و آنجا را برای حکومت خود مناسب می‌دید. از اینرو، پس از مرگ کریم خان زند در سال ۱۲۰۰ در تهران به تخت سلطنت نشست.

محلات طهران عصر آغا محمد خان بسیار محدود و در واقع بیشتر کوی یا گذرهایی بودند که اطراف امامزاده‌ها قرار داشتند. تهران عصر آغا محمد خان به پنج بخش تقسیم می‌شد که چهار بخش آن محلات مسکونی و بخش پنجم ارگ (حاکم نشین) بود. هر یک از این بخشها به وسیله دروازه‌ای به خارج از شهر متصل می‌شد که عبارتند از دروازه قزوین، دولاب، عبدالعظیم، شمیران و ارگ، چهار محله مسکونی عصر آغا محمد خان عبارت بودند از: سنگلج، عودلاجان، بازار و چال میدان.

در میان این محلات، سنگلج دارای بافت محله‌ای غنی تر و قدمت تاریخی بیشتری بود تا جائی که عده‌ای معتقدند، آغا محمد خان پس از مرگ پدرش مدتی در این محله به شاگردی استادی مشغول بود. این محله از دیرباز یکی از بزرگترین و آبادترین محلات تهران بوده است.

در میان محلات فوق، بافت طبقاتی و جدایی‌گزینی تا حدودی قابل رویت است. هر چند این جدایی‌گزینی کامل نبوده، لیکن می‌توان ادعا نمود که محله عودلاجان در برگیرنده طبقات مرفه‌تری بوده و در واقع تقریباً محله اعیان نشین محسوب می‌شده و از مهمترین عوامل برتری این محله تسلط ارتفاعی آن بر سایر محلات و مکانهای جنوبی آن است و از طرفی آب نواحی جنوبی از محله عودلاجان جریان می‌یافته و بعضی معتقدند عودلاجان یا اودراجان به معنی جایگاه پخش آب است و واژه‌های سرچشمه یا گذر سر پولک (یعنی سرپل) تا حدودی اثبات این مدعاست.\*

در مقابل محله چال میدان به دلیل موقعیت قرارگیری جغرافیایی نامناسبش، یعنی قرارگیری در منطقه گود یا پست، از نظر شرایط محیطی چندان مناسب نبوده و بدین لحاظ از آغاز محله فقیر نشین تلقی می‌شده است.

آغا محمد خان قاجار به خیال اینکه روزی خلیفهٔ مسلمین می‌شود تهران را «دارالخلافة» نامید.

#### ۴ - تهران عصر ناصری

دوران سلطنت ناصرالدین شاه دورهٔ بسط سرمایه‌داری وابسته و تسلط سرمایه‌داران خارجی بر منابع ملی کشور است.

تهران در عصر ناصری گسترده‌تر شد و شهرنشینی در آن فزونی گرفت. بدور تهران عصر شاه طهماسب، حصار و برج و بارویی قرار داشت و همچنین خندق‌هایی حفر شده بود (محلۀ چال میدان و چال حصار از بقایای آن بودند). که در عصر ناصری تخریب شد و برج و باروی جدیدی ساخته شد و خندق‌هایی نیز در اطراف شهر حفر گردید و خندق‌های قدیمی پر شد و جزیی از محلات تهران گردید. در این دوران مرکزیت بین میدان توپخانه (امام خمینی فعلی) و میدان ارگ و سبزه میدان - اطراف دروازه عبدالعظیم و میدان امین السلطان تقسیم شد که کانون اصلی، ناحیهٔ بازار تهران بود که در قسمت شمال آن خیابانهای ناصر خسرو و باب همایون و نایب السلطنه، دهانۀ بازار را به میدان توپخانه متصل می‌کردند و اطراف این میدان تا شعاع مشخصی مهمترین خیابانهای عصر ناصری را تشکیل می‌دادند. در این دوران قلعهٔ ارگ تجدید بنا شد و کوچه‌ها برای حرکت کالسکه‌ها عریض گردید. در داخل و خارج حصار شهر بناهای زیادی ساخته شد که در ضلع شمالی آن به دلیل سر، آب بودن، طبقات مرفه تهرانی جای گرفتند و در واقع اولین گامهای ساخت محلات مرفه نشین تهران بر اساس استفاده از آب قنوات از این زمان باب گردید. زیرا طبقات متمول از امتیاز آب پاکیزه‌تر در مناطق شمالی تر بهره‌مند می‌شدند و طبقات پایین از کیفیت آب کمتر (بعضی حتی آب جاری هم نداشتند). البته در این عصر خندقهای اطراف تهران نیز محل طبقات پایین چون کولی‌ها، فقرا، فواحش، غربا و دراویش بود (نمونه: حوالی خندق دولاب).

توسعهٔ تهران عصر ناصری پنج سال طول کشید و به تقلید از شهر پاریس هشت گوش گسترش یافت و دوباره به دور آن خندق حفر گردید و این بار ۱۲ دروازه برای تهران ساخته شد که در جهات چهارگانه عبارت بودند از:

الف - سمت شمال:	دروازه شمیران	(نزدیک محل فعلی بچ شمیران)
	دروازه دولت	(حد فاصل انقلاب و سعدی و خیابان مفتوح)
	دروازه یوسف آباد	(چهارراه کالج)
ب - سمت غرب:	دروازه باغشاه	(خیابان کارگر جنوبی - نزدیک میدان حر)
	دروازه قزوین	(حوالی میدان قزوین)
	دروازه گمرک	(میدان رازی)
ج - سمت شرق:	دروازه خراسان	(نزدیک میدان خراسان - سه راه شکوفه)
	دروازه دوشان تپه	(سمت شرق میدان شهدا)
	دروازه خانی آباد	(میدان خانی آباد)
د - سمت جنوب:	دروازه غار	(حدفاصل خانی آباد و میدان شوش)
	شاه عبدالعظیم	(میدان شوش)

دروازه سیزدهم، دروازه بدون سقف ماشین دودی که از تهران به ری رفت و آمد داشت. البته در داخل شهر، محلات شهری تهران نیز دروازه داشت که دروازه‌های نه گانه داخل شهر تهران عبارت بودند از:

۱- دروازه خیابان چراغ گاز یا چراغ برق	(شرق میدان امام خمینی)
۲- دروازه ناصریه	(ابتدای ناصر خسرو - ضلع جنوب شرقی امام خمینی)
۳- دروازه باب همایون	(ابتدای خیابان باب همایون - ضلع جنوب غربی میدان امام خمینی)
۴- دروازه علاءالدوله	(میدان فردوسی به سمت میدان امام خمینی)
۵- دروازه باغشاه	(میدان حر)
۶- دروازه لاله‌زار	(خیابان لاله‌زار)
۷- دروازه ارگ	(جنوب میدان ارگ)
۸- دروازه نو	(انتهای بازار عباس آباد)
۹- سردر العاصیه	(انتهای باب همایون)

محلات عصر ناصری قبل از توسعه عبارت بودند از:  
 بازار - چال میدان - چال حصار - ارگ - عودلاجان - سنگلج  
 حدود فعلی محلات تهران عصر ناصری عبارتند از:  
 محله عودلاجان: شامل خیابانهای خیام، ارگ، ناصر خسرو (ناصریه)، شمال خیابان بوذرجمهری  
 شرقی و بازار یهودیها و پامنار (از ناصر خسرو تا سیروس)  
 محله سنگلج: از شمال تا میدان حسن آباد و خیابان شیخ هادی، امیریه، پل امیر بهادر (میدان  
 شاهپور تا امیریه)، بازارچه قوام الدوله و خیابان خیام  
 محله بازار: ناصر خسرو تا مسجد امام، خیابان بوذرجمهری سابق تا انتهای بازار بزرگ، از جنوب  
 تا خیابان ری  
 محله چاله میدان: جنوب بازار، امامزاده سید اسماعیل، گمرک، خانی آباد، دروازه غار و میدان  
 اعدام  
 محله دولت: خیابان لاله زار، فردوسی (علاءالدوله سابق)، سعدی (تختی)، خیابان اکباتان (واگن  
 خانه سابق)، خیابان شهدا (دوشان تپه)، خیابان بهارستان (نظامیه)  
 به این ترتیب حدود تهران قدیم به محلات فعلی ذیل منتهی می‌گردید:  
 از سمت شمال به خیابان انقلاب، از پیچ شمیران تا چهارراه کالج منتهی می‌شده که شامل  
 محلات زیر بود:  
 باغ عشرت آباد (خیابان سرباز)، باغ ظل السلطان، راه مهران، عیش آباد، قصر قمر (خیابان زندان -  
 قصر)، اردوی قزاق، باغ مجدالدوله، تپه عباس آباد، بهجت آباد، یوسف آباد، امیرآباد، باغ جلالیه (محل  
 پارک لاله)، راه فرحزاد  
 از سمت غرب: از محل فعلی چهارراه جمهوری تا میدان گمرک (رازی فعلی) شامل خیابانهای  
 قدیمی امامزاده معصوم، امامزاده حسن، راه شهریار، راه قزوین، خیابان جی، اکبر آباد، باغشاه (حر) راه  
 دولت و باغ فرمانفرما  
 از سمت جنوب: از امتداد شرقی شوش تا میدان شوش شامل راه ورامین، دولت آباد، راهری،  
 نازی آباد، قلعه وزیر، باغ صنیع الملک  
 از سمت شرق: از خیابان ۱۷ شهریور تا میدان شهداء شامل راه جاجرود، میدان اسپدوانی، باغ

رضوان، باغ خان دولاب، باغ عضدالملک، قلعه سلیمانیه (اصفهانک - بلوار آهنگ) و راه خراسان در این دوره باغات نگارستان، بهارستان، سپهسالار، لاله زار، حسن آباد، قاجاریه، قنات آباد، خانی آباد و بسیاری از باغات تهران به تهران پیوستند. در عصر قاجار، تهران دارای عمارات و قصرهای سلطنتی زیادی بود که بعضی از آنها عبارتند از:

عمارت فرح آباد، قصر شمس العماره، عماردوشان تپه، کوشک، صاحبقرانیه (نیاوران)، باغ عشرت آباد، باغ شاه و میدان اسبدوانی، باغ طغرلیه، شهر ری (ابن بابویه)، قصر فیروزه، قصر یاقوت، قصر قجر، عمارت یافت آباد، باغ نگارستان، باغ لاله زار، باغ اقدسیه، باغ بهارستان، باغ نجف آباد، کاخ سلطنت آباد، شهرستانک، بناهای قشلاقی جاجرود، باغ سلیمانیه، باغ مجدالدوله اصلی ترین خیابانهای تهران در عصر ناصری عبارت بودند از:

ناصریه (ناصر خسرو)، چراغ گاز (امیرکبیر)، جباخانه (گلوبندک)، گارماشین (ری)، اسماعیل بزاز (مولوی)، لاله زار، تختی (سعدی)، جلیل آباد (خیام)، باغشاه (حر)، حسن آباد تا شاهپور، امیریه تا پل امیر بهادر، منیریه، بلورسازی (مهدی موش)

عصر ناصرالدین شاه نقطه عطف جدایی‌گزینی محله‌های تهران، تأسیس محلات جدیدالتأسیس چون دولت و حسن آباد بود و پس از این زمان کم کم محلات جدیدالتأسیس با نامهای جدید و زیبایی، محلات طبقات برتر و صاحب منصبان و بقیه مناطق شهری ترکیبی از سایر اقشار اجتماعی شهر شد. لیکن در تمامی بافت تهران حتی در عصر رضاخانی در هر محله‌ای صاحب منصبی بود و تفکیک کامل از نظر اجتماعی و اقتصادی و مرزبندی محلات به طور دقیق انجام نمی‌گرفت. چیزی که شاید امروز هم در تهران مرزبندی دقیق آن امکان پذیر نباشد.

##### ۵- مرحله پنجم: تهران عصر پهلوی اول ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ (عصر رضاخانی)

میراث رضاخان برای تهران از هم پاشیدگی بافت دیرینه تهران و تغییر هویت آن بوده است.

تهران تا اوایل دوره پهلوی همان تهران عصر ناصری بود با محلات دهگانه:

ارگ، دولت، حسن آباد، سنگلج، قنات آباد، محمدیه، قاجاریه، بازار، عودلاجان، شهرنولی با تصویب قانون بلدیة سال ۱۳۱۱ جهت عریض سازی خیابانها و توسعه معابر در هم شکسته شد و دیوارهای قدیم آن به طور کامل تخریب گردید و تهران وارد مرحله‌ای به نام مدرنیسم یا بهتر بگوییم،

غربگرایی شد. این عصر نوسازی، تهران جدیدی بیگانه با گذشته خود ساخت. طرح تهران جدید زیر نظر مستشاران خارجی تهیه گردید و محور اصلی آن تهاجم به بافتهای سنتی و فروپاشی آنها بود. غالب فضاهای ساخته شده به دور از ارزشهای فرهنگی جامعه ایرانی - اسلامی منجر به شکل‌گیری خیابانهایی چون لاله‌زار، اسلامبول، سپه، ... گردید. خیابانهایی که امروز تنها، بازماندگان توسعه شعاعی پیوسته و متحدالمركز رضاخانی هستند، نه میراث برخاسته از اندیشه‌های جامعه ما. با رشد این محلات ساختمانها و محلات قدیمی چون سنگلج و ارگ و ... به صفحات تاریخ پیوسته و ساختمانهای جدید دولتی چون وزارت دارایی و کاخ دادگستری جایگزین آنها گردیدند.

تهران از سال ۱۳۱۱ به بعد از شمال به خیابان انقلاب (شاهرضای سابق)، در شرق به خیابان ۱۷ شهریور (شهناز سابق)، از جنوب به شوش و از غرب به خیابان کارگر (امیرآباد) منتهی می‌شد. بهترین خیابانهای عصر رضاخانی خیابانهای سپه (امام خمینی فعلی) اسلامبول، لاله‌زار، مولوی، شاهپور، امیریه، ناصر خسرو، چراغ برق و باغشاه بودند. در این عصر بسیاری از باغات معروف تهران به تملک خانواده‌های متمول و غالباً شاهزاده‌ها یا سرکردگان رژیم پهلوی در می‌آیند و در نتیجه نوعی جدایی‌گزینی محله‌ای بر اساس مالکیت‌ها در تهران اتفاق می‌افتاد. شکل‌گیری محلات فقیرنشین و مرفه‌نشین در این دوران کامل می‌شود. بدین معنا که بجز محلات دهگانه تهران قدیم، محلات جدید البنا با ساخت خوب و غالباً باغات اعیانی به استثنای بعضی از اراضی مثل دولاب یا باغ سلیمانیه (که رعیت نشین قدیمی بوده‌اند) بقیه مناطق چون دولت و حسن آباد و بیلاقات شمیران... با وسعت بیشتر از محلات قدیمی داخل خندق با خانه‌های نسبتاً تازه‌ساز و فرنگی ماب همراه با باغها و باغچه‌های مشجر اساس شمال شهر یا اعیان نشین را پایه ریزی می‌کنند و در همین زمان محلات قدیمی چون قنات آباد، محمدیه، بازار، دولاب و عودلاجان با ساخت قدیمی و خشت و گلی، مساحت کم، سقفهای کوتاه و مرطوب، محلات فقیرنشین تهران را تشکیل می‌دهند. معروفترین مناطق تهران در این اثر از چهار جهت اصلی شامل خیابانهای ذیل می‌شود:

از طرف شمال: قصر، عشرت آباد، عباس آباد، باغ جلالیه (محل فعلی پارک لاله)، امیرآباد، بهجت آباد، فیشرآباد، جمشید آباد، یوسف آباد  
از طرف جنوب: نازی آباد، فرح آباد، قلعه مرغی

از طرف غرب: محله شهر نو (بین میدان گمرک و میدان قزوین)، اکبر آباد، امامزاده معصوم از طرف شرق: سلیمانیه (اصفهانک)، عیش آباد، عضدیه، دولاب، امامیه (حکیمیه) بافت محلات قدیم شهری تهران تا عصر پهلوی دوم تابع مسیر قنوات و مسیلهای تهران بود. خصوصاً نقش مهم قنوات در زمان رضاخان (۴۸ مسیر قنات) در طبقه‌بندی محله‌ای و تفکیک اجتماعی محلات، مورد بحث و توجه است. با اشاره به محل بعضی از قنوات مهم تهران که غالباً جزو محلات ممتاز عصر رضاخانی و حتی در مواردی بهترین محلات فعلی تهران هستند، می‌توانیم به نقش قنوات در تهران پی ببریم.

بعضی از قنوات معروف تهران: الهیه، ناصریه (باغشاه)، ناصرالملک و بهاءالملک (باغ صبا)، بهارستان، بریانک (بیمارستان امام خمینی)، پامنار (عباس آباد، قنات جدلیه، قنات حاج علی رضا، قصر قجر)، قنات روسیه، قنات بهجت آباد، کوثریه (فرمانفرما)، داودیه، مهدی آباد (سفارت آمریکا)، یمن الحیات، گلستان دره، زر افشان، ارغوانیه، قلعه ونک، قنات شاه بوده‌اند.

#### ۶- مرحله ششم: تهران جدید عصر پهلوی دوم

تهران جدید در دو مقطع مختلف شکل گرفت. مقطع اول در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ یعنی از حمله متفقین به ایران تا اصلاحات ارضی را شامل می‌شود که فرخ حسامیان این مرحله را شهرنشینی بطئی نامیده و روند شهرنشینی در این مرحله را بسیار کند می‌داند مقطع دوم از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ که به فروپاشی روابط سنتی و وابستگی به درآمدهای ارزی و شهرنشینی شتابان معروف می‌شود.

**مقطع اول -** بیشترین اثرات جنگ جهانی، در تهران آشکار می‌شود. بدین معنا که مردم در طلب امنیت و آرامش در پایتخت روبه سوی تهران می‌آوردند و روند مهاجرت عنان‌گسسته تهران از این زمان آغاز می‌گردد.

رشد جمعیت تهران بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ در تاریخ گذشته تهران بی سابقه بوده، به طوری که واقعاً تهران را غافلگیر کرده و رشد بی رویه و بی ضابطه تهران از این زمان آغاز می‌گردد و منجر به پدیده‌ای به نام "نشت شهری" و تکوین مادر شهر تهران و توسعه شعاعی آن می‌شود. به گونه‌ای که تهران در سال ۱۳۲۷:



از شمال به امیرآباد، یوسف‌آباد، عباس‌آباد و تپه حشمتیه  
از سمت شرق به تهران نو، دوشان تپه (حوالی پیروزی) و دولاب  
از سمت غرب به طرشت، جی، بریانک، امامزاده حسن  
از سمت جنوب به نهر فیروزآبادی، کشتارگاه و گودالهای جنوب تهران منتهی می‌گردد.  
با کودتای سال ۱۳۳۲ نفت به محور اصلی تحولات جامعه مبدل گردید و شهری چون تهران به  
مکان تحقق تجارت جهانی و تمرکز مازاد درآمد ملی حاصل از نفت تبدیل گردید. از طرفی از رونق  
افتادن کشاورزی باعث افزایش مهاجرت به شهرها خصوصاً تهران شد. به طوری که در سال ۱۳۳۵  
حدود محلات تهران شامل مناطق ذیل گردید:  
در شمال از جنوب: قلعهک، مهران، عباس‌آباد، یوسف‌آباد. عشرت‌آباد، باغ صبا، امامیه  
(حکیمیه)  
در شرق و غرب و جنوب به: دوشان تپه، دولاب، اصفهانک، قبرستان ارامنه، سیل ملک، خاتون،  
امامزاده گل زرد، هاشم‌آباد، نجف‌آباد، پشت کارخانه سیمان ری (دولت‌آباد)، صفوراآباد و حسین‌آباد،  
جوانمرد قصاب، خرج‌آباد، نازی‌آباد، علی‌آباد، ایستگاه قلعه مرغی، امامزاده حسن، جی، بریانک و  
سفنارد و طرشت.  
جالب توجه اینکه در این سالها تهران بیشتر در جهات شمالی و جنوبی رشد کرده تا جهات شرقی  
و غربی و در نتیجه توسعه شهر در راستای محورهای ارتباطی صورت گرفت. تحولات اصلی در تهران در  
این سالها هنوز بطئی و کند بوده و سرعت آن کم کم افزایش می‌یابد.

### مقطع دوم - از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷

مقطع دوم، تحولات تهران جدیدی است. توقف و رکود در اجرای قوانین نوسازی و بهسازی شهر  
در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ تشدید رشد بی‌رویه تهران و عدم کنترل این رشد، نواحی مسکونی خارج از  
محدوده را ایجاد می‌نماید.

در این سالها بزرگترین ضربه به اقتصاد و کشاورزی کشور وارد گردید و با اصلاحات ارضی  
کشاورزی رو به انحطاط نهاد و قدرت اقتصادی کشور در درآمدهای ارزی حاصله از نفت خلاصه  
می‌شود که این درآمدها صرف زیباتر کردن چهره ظاهری شهرها خصوصاً تهران می‌شود. تا جایی که

بیشترین سهم از درآمد ملی به تهران اختصاص می‌یابد و در نتیجه بیش از سایر نقاط کشور از امکانات بهره‌مند می‌شود.

این مرحله را فرخ حسامیان رشد شتابان شهرنشینی می‌نامد، رشدی که به حق بیشترین نمود خود را در تهران نشان می‌دهد. توسعه شتابان تهران نوعی توسعه پیوسته و شبکه‌ای بوده و در واقع در این مقطع نقش بافت مرکزی تهران کم رنگ شده و هسته‌های ثانویه، قدرتمندتر می‌شوند.

محلات شهری کاملاً بر اساس سلسله مراتب اقتصادی طبقه‌بندی می‌شوند و دو قطب کاملاً مشخص از نظر بافت اکولوژیکی بوجود می‌آیند. چیزی که امروز تحت عنوان شمال شهر و جنوب شهر تمرکز بیشتر طبقات برتر اقتصادی را در نواحی شمالی و شمال شرق تهران ایجاد کرده و تقریباً در سمت حاشی و مناطق جنوبی‌تر، طبقات کم درآمد شهری را جای داده است پدیده زاغه نشینی و حاشیه نشینی از میراث‌های این دوران است، هجوم روستائیان بدون تخصص و عدم جذب آنها در اقتصاد شهری پایه‌های اقتصاد غیررسمی و در حاشیه قرار گرفتن طبقات کم درآمد را پی ریزی می‌کند و همچنین در این دوران رشد آپارتمانها و ساختمانهای بلند مرتبه در تهران آغاز می‌گردد، خصوصاً در مناطق متوسط نشین و مرفه نشین تهران این رشد نمود بارزتری دارد. در این مقطع ساختمانها با فرم غربی فاقد روح سنتی در تهران رواج یافته و روز بروز بافتهای قدیمی و سنتی مورد کم توجهی قرار می‌گیرند و بافتهای جدید به جای آنها جایگزین می‌شوند.

دوایر دولتی کم کم از بافت هسته اولیه تهران جدا شده و در خیابانهای جدید و در ساختمانهای بلند مرتبه جای می‌گیرند و روز به روز تهران از گذشته خود فاصله بیشتری می‌گیرد. بعضی خیابانهای بافت قدیمی به دلیل چند عملکردی بودن خصوصاً در بخشهای بازار و حوالی آن، اعتبار خود را تا حدودی حفظ کرده و کمتر مورد تاخت و تاز بافتهای جدید قرار می‌گیرند، لیکن بقیه محلات تحت تأثیر تحولات مدرنیسم قرار گرفته و دگرگون می‌شوند. در این دوران پدیده دوگانگی در ابعاد مختلف فضای شهری تهران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به گونه‌ای که بافت خیابانهای قدیمی در مقابل خیابانهای عریض، منظم، شطرنجی و همشکل جدید التاسیس ولی فاقد روح، بناهای مستهلک محلات بافت قدیم در مقابل ساختمانهای نوساز و بلند مرتبه محلات جدید، جایگزینی طبقات کم درآمد در محلات بافت قدیم به جای ساکنین اولیه و میل طبقات اجتماعی پر درآمد به محلات نوساز شمالی‌تر، بورس بازی زمین و در نتیجه تفاوت در توانمندی طبقات اجتماعی و تفاوت در ابعاد ساختمانها و سطح زندگی

در محلات مختلف، حکایت از دوگانگی بسیار عمیق در این پایتخت چند میلیونی کشور می‌کند. بافت محلات مستهلک و پر تراکم در مقابل مناطق جدیدالتأسیس و کم تراکم، معنای حقیقی شمال شهر و جنوب شهر را در تهران تداعی می‌کند. معنایی که بهتر است آن را شهر جنوبی و شهر شمالی بنامیم. زیرا بافتی کاملاً متفاوت از نظر اقتصادی، جمعیتی و کالبدی بر این دو بخش تقریباً متصل به یکدیگر دیده می‌شود.

در این مقطع فعالیت‌های ساختمانی در تهران رشد مضاعفی داشته، خصوصاً رشد ساختمان‌سازی بین سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ بالاترین میزان را تا قبل از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد. در این دوره شرکتها و سهامداران ساختمانی به عنوان بخشهای نیرومند در امر ساختمان‌سازی به ایجاد مجتمع‌های مسکونی پرداخته و با توجه به درآمد جالب توجه این فعالیت، بخش عمده‌ای از سرمایه‌ها و نیروی انسانی جذب این بخش می‌شود.

تهران در این زمان از شمال به دریند، از جنوب به شهرری، از شرق به سرخ حصار و از غرب به مهرآباد و اراضی کن محدود می‌شود.

لازم به ذکر است که علاوه بر مناطق فوق، شهرک‌سازیها و مجتمع‌های مسکونی، اداری و کارگری و محلات جدا از شهر ولی وابسته به آن از دهه ۵۰ به بعد، اطراف تهران رشد فراوانی یافته‌اند. جمعیت تهران بین سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۹ دو برابر و وسعت آن سه برابر شده و با توجه به اینکه بافت‌های جدید توسعه متمایل به مرکز داشته‌اند، فشار فراوان جمعیتی، ترافیکی... را بر بخش مرکزی تهران وارد نموده‌اند.

نخستین محلات مهاجرنشین از سال ۱۳۲۰ به بعد در اراضی جوادیه، جنوب غربی تهران ساخته شد (مسکن اختصاصی آذربایجانی‌های مهاجر در جهت غرب و جنوب شرق و شرق تهران).

در زمان حکومت مصدق، شهرنشینان تهیدست به تصرف عدوانی اراضی بایر شرق تهران و خانه‌سازی در آنها پرداختند که به محله مفت آباد معروف شد.

در پی خانه‌سازی بی ضابطه در اراضی مفت آباد و دولت آباد در دو ناحیه نازی آباد و نارمک، دولت طرح شهرسازی با اصول و خیابان بندی صحیح را داد.

در مراحل اولیه، تهران پارس نیز با اصول شهرسازی ساخته شد ولی بعدها نازی آباد و نارمک و تهرانپارس تحت هجوم ساخت و سازهای خودرو قرار گرفت و شکل اصولی خود را از دست داد. از

جمله محلات ساخته شده با اسلوب شهرسازی به صورت آپارتمان سازی عبارتند از: نازی آباد، بهجت آباد، افسریه، نیاوران، سعادت آباد، شهرک غرب، آپادانا و اکباتان.

در حال حاضر مجتمع‌های شرق و غرب و شمال منزلت اجتماعی و اقتصادی خود را حفظ کرده‌اند و امروزه همچنان جزء مناطق متوسط نشین تهران تلقی می‌شوند.

#### ۷- مرحله هفتم: پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ تا حال

در سالهای اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، مسائل مختلف ناشی از شرایط جامعه، اثرات فزاینده‌ای بر رشد شهری تهران و یا بهتر بگوییم تکوین منظومه شهری آن داشت که از مهمترین عوامل موثر بر توسعه بی رویه شهر تهران، عدم نظارت بر ساختمان سازی بی رویه، عدم هماهنگی دواير دولتی و ابهام در قوانین در سالهای اولیه پیروزی انقلاب بود که منجر به توسعه غیر مجاز و افزایش تخلفات ساختمانی در تهران شد.

طی سالهای ۵۷ و ۶۵ از رشد سالیانه محلات در تهران به دلیل اتخاذ سیاستهایی چون جیره‌بندی کالاها، صدور دفترچه بسیج و جلوگیری از مهاجرت به تهران، کاسته شد. لیکن این سیاستها، فشار جمعیتی را متوجه نقاط جاذب جمعیت در اطراف تهران نمود.

سالهای پس از پیروزی انقلاب متأثر از ساخت غلط اجتماعی و اقتصادی نظام گذشته و درگیری با مشکلات خاص خود نظیر جنگ تحمیلی و اقدامات ناپخته و ناهماهنگ، فشار جمعیتی را بر تهران مضاعف نمود.

از سال ۵۹ محدوده خدماتی تهران از ۲۲۵ کیلومتر به ۵۲۰ کیلومتر و مناطق شهری آن از ۱۲ منطقه به ۲۰ منطقه افزایش یافت. بد نیست بدانیم بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۵ جمعیت تهران ۲۷ برابر و مساحت آن ۸۶ برابر شده است و در کنار این رشد فزاینده و قارچ گونه که بیشتر توسعه‌ای شبکه‌ای را تداعی می‌نماید، منظومه‌ای از اقمار شهرها و شهرکها به دور تهران، نوعی رابطه و پیوستگی مرکز پیرامونی را بوجود آورده‌اند، به گونه‌ای می‌توان گفت تهران امروز در حاشیه خود گم شده است.

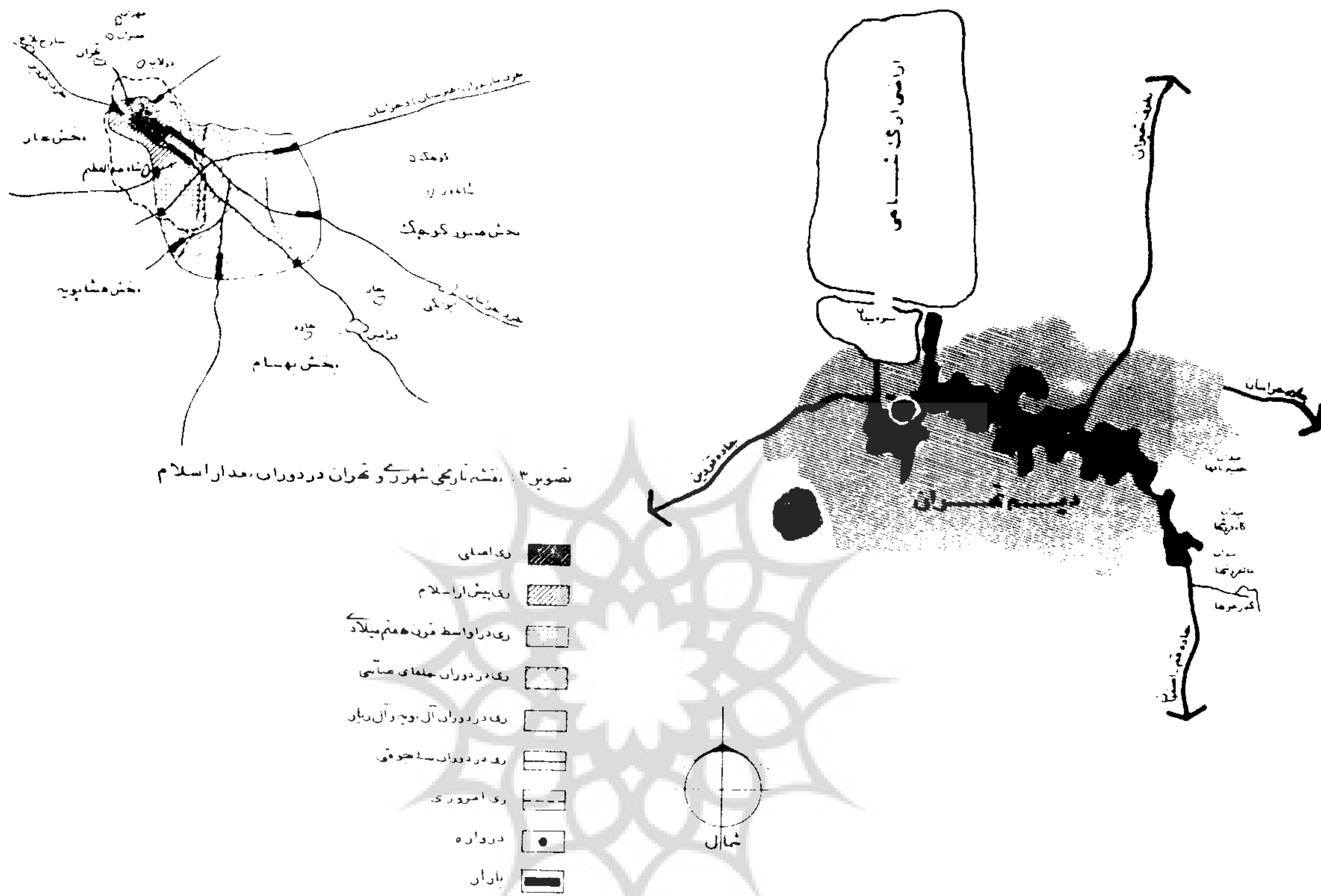
دیگر از تهران عهد عتیق و عهد ناصری و تهران قدیم جز چند بنا و میدان چیزی باقی نمانده، از پیوندهای محله‌ای و روابط انسانی خاص جوامع اسلامی - ایرانی چیزی باقی نمانده، دیگر خیابانهای تهران از منابع آب تبعیت نمی‌کنند و دیگر هیچ تطابقی بین الگوهای زندگی جدید با فرهنگ و سنتهای

ملی ما وجود ندارد.

پایتخت امروز ما در قلب خود خیابانهایی با معابر پر پیچ و خم را حفظ نموده که حکایت از دیرینگی و منزلت گذشته آن دارد. منزلتی که دیگر رنگ و بوی گذشته خود را از دست داده و حتی ساکنین اصلی آن نیز رهاش کرده‌اند.

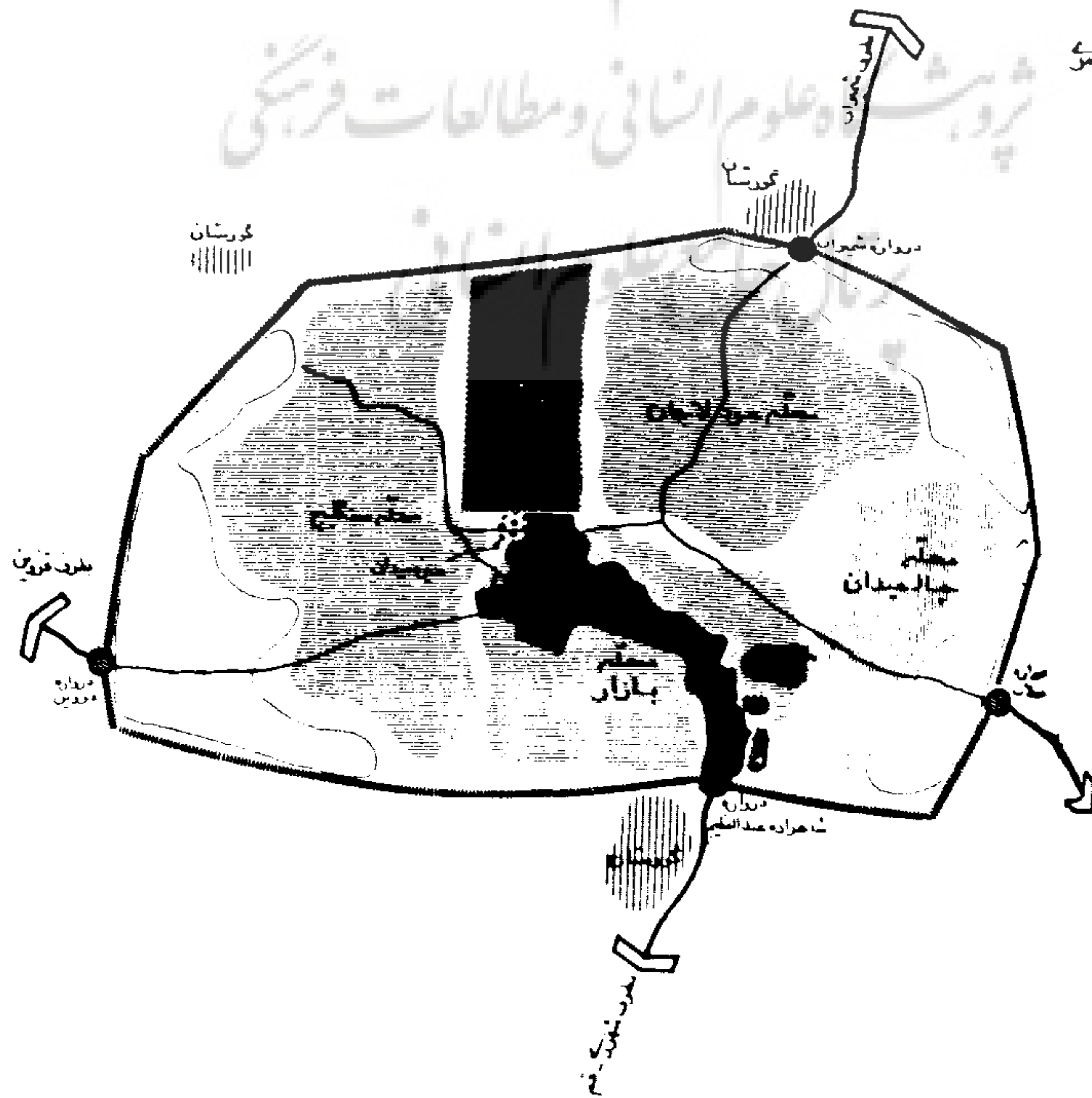
این بافت قدیمی در مقابل مظاهر جدید زندگی شهری، پویایی و قابلیت انطباق خود را از دست داده است. جایگزینی مهاجران و طبقات کم درآمد و فقر تأسیسات زیربنایی و خدمات شهری لازم، ازدحام بیش از حد در ساختمانهای قدیمی در کنار فرسودگی بناها و عدم تطابق آنها با تجهیزات جدید شهری و تراکم ارتفاعی بسیار پایین آنها روز به روز ضربه‌پذیری این محلات را افزایش داده و عدم حمایت شایسته از این بافتها و بازسازی آنها، این محلات را به آمیزه‌ای از فرسودگی، آلودگی، استهلاک و بزهکاری تبدیل نموده است. ترکیب رو به انحطاط این محلات با تنزل درجه سکونتگاهی آنها و تخریب آشفته در مسیر خیابانهای اصلی، از بین رفتن گذشته و هویت ماست. هر چند این هویت در دهه‌های گذشته دستخوش دگرگونی شده است.

لیکن حتی در میان فضاهای متأثر از فرهنگ غربی، روح و اصالت محله‌ای و تبلور اندیشه‌های اسلامی - ایرانی نمایان است.

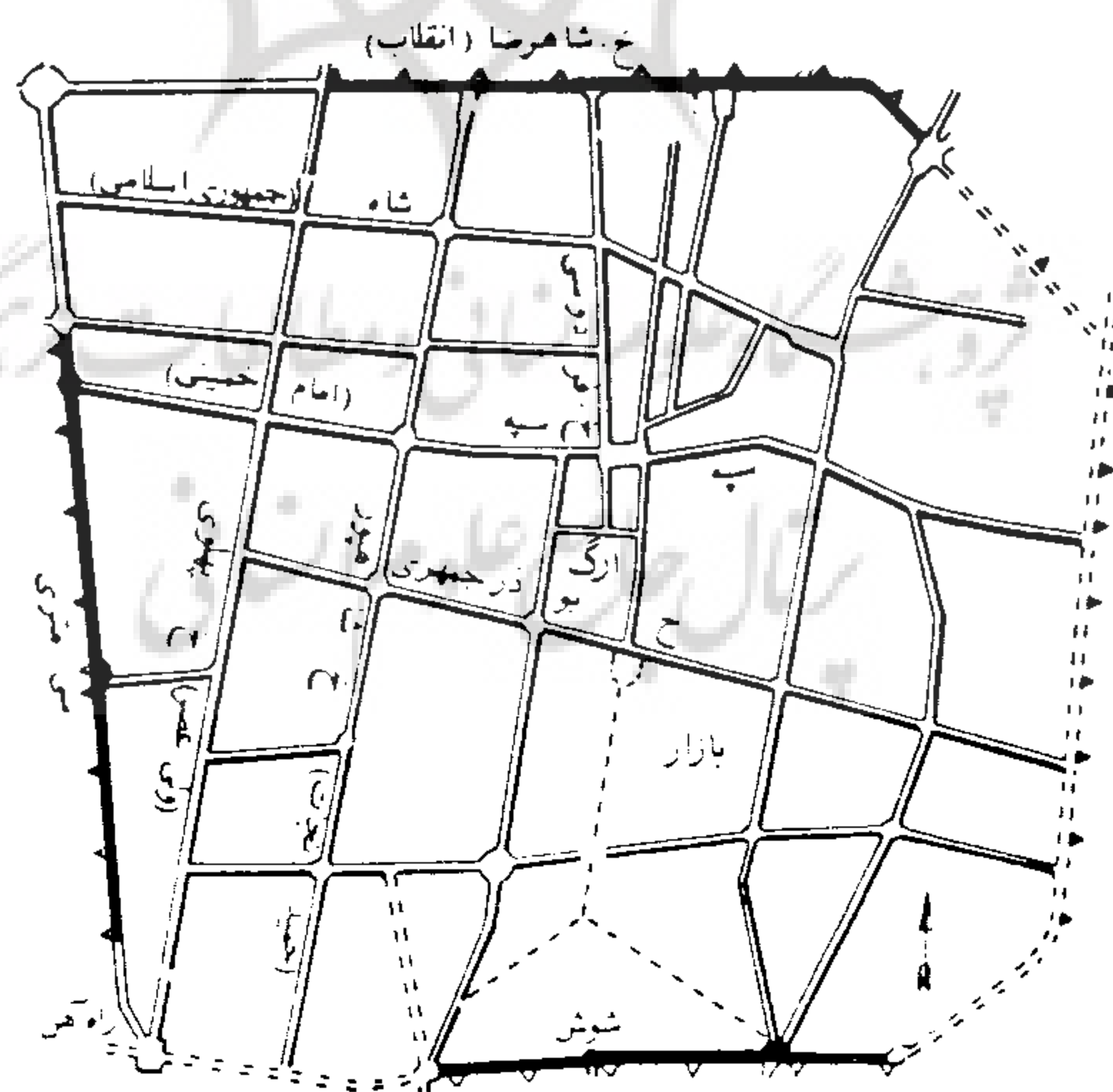


تصویر ۳ نقشه تاریخی شهرک و تهران در دوران عدنان اسلام



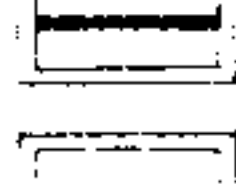
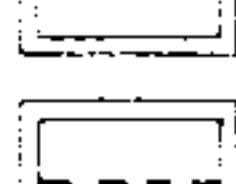
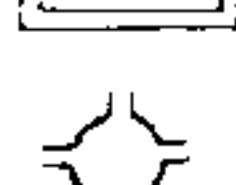

هستم اولیم .  
شکل گیری شهر تهران ، قبل از قرن نهم هجری قمری

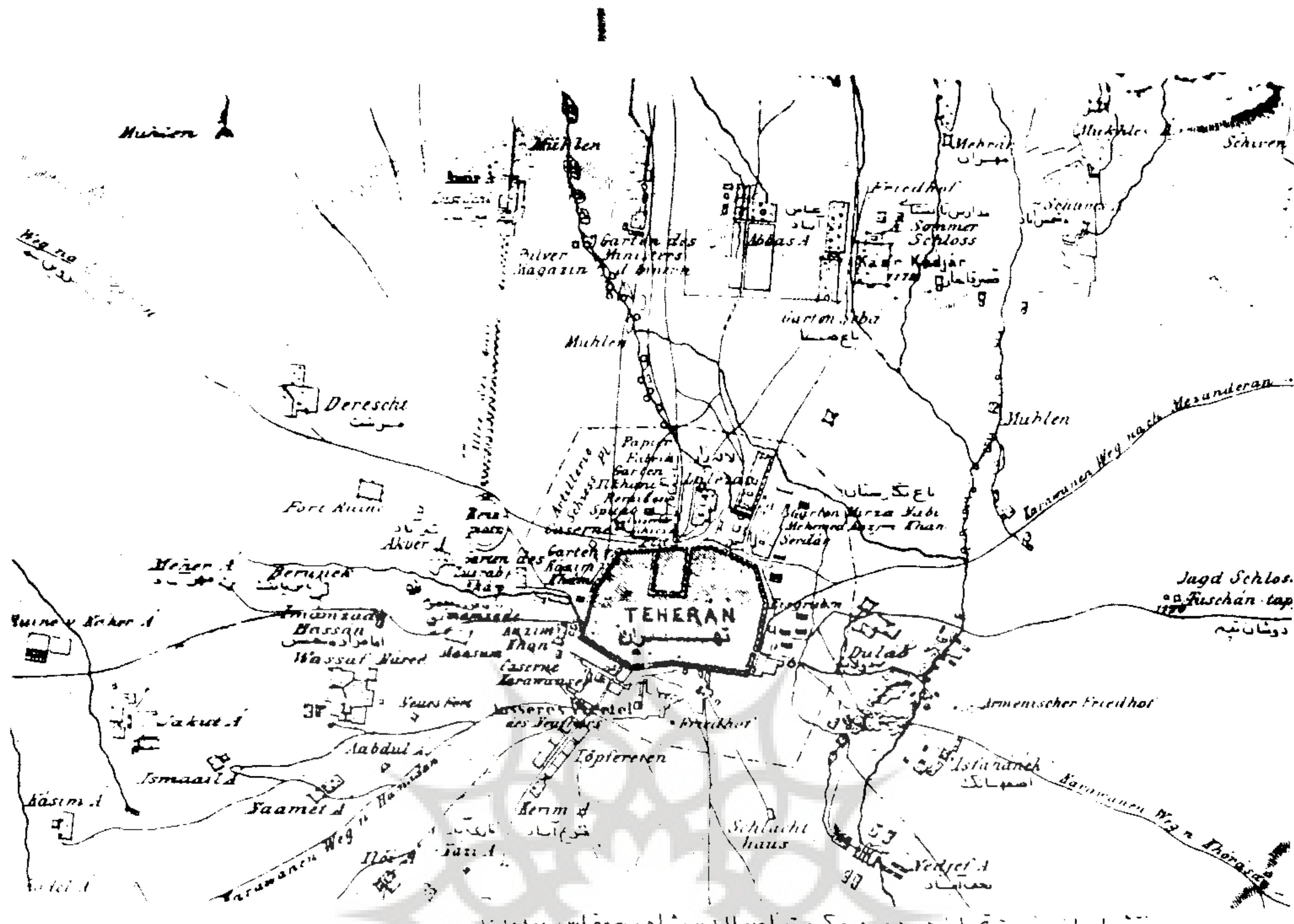


تهران و شبکه اصلی معابر در زمان شاه  
نسب صفوی ، قرن دهم هجری قمری

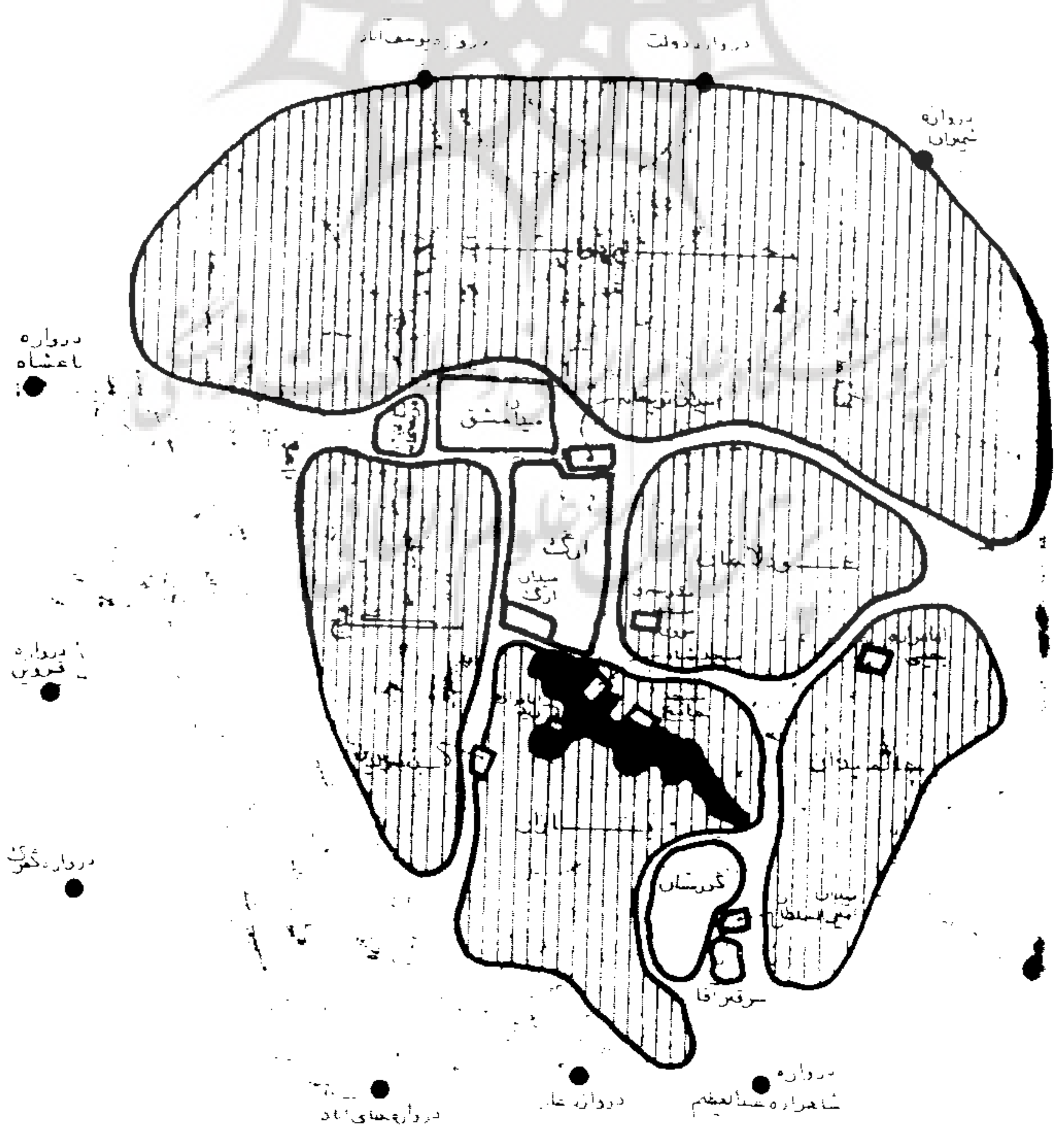


۲. طرح جدید تهران مصوب ۱۳۱۶ ش.

- 
 خیابان‌های جدیدی که بروی مسیر دیوار شهر احداث شده است.
- 
 خیابان‌های جدیدی که بروی مسیر دیوار شهر احداث خواهد شد.
- 
 خیابان‌های موجود.
- 
 خیابان‌های حدیثی.
- 
 خیابان‌های که هرگز احداث نشده است.
- 
 میادین جدید.



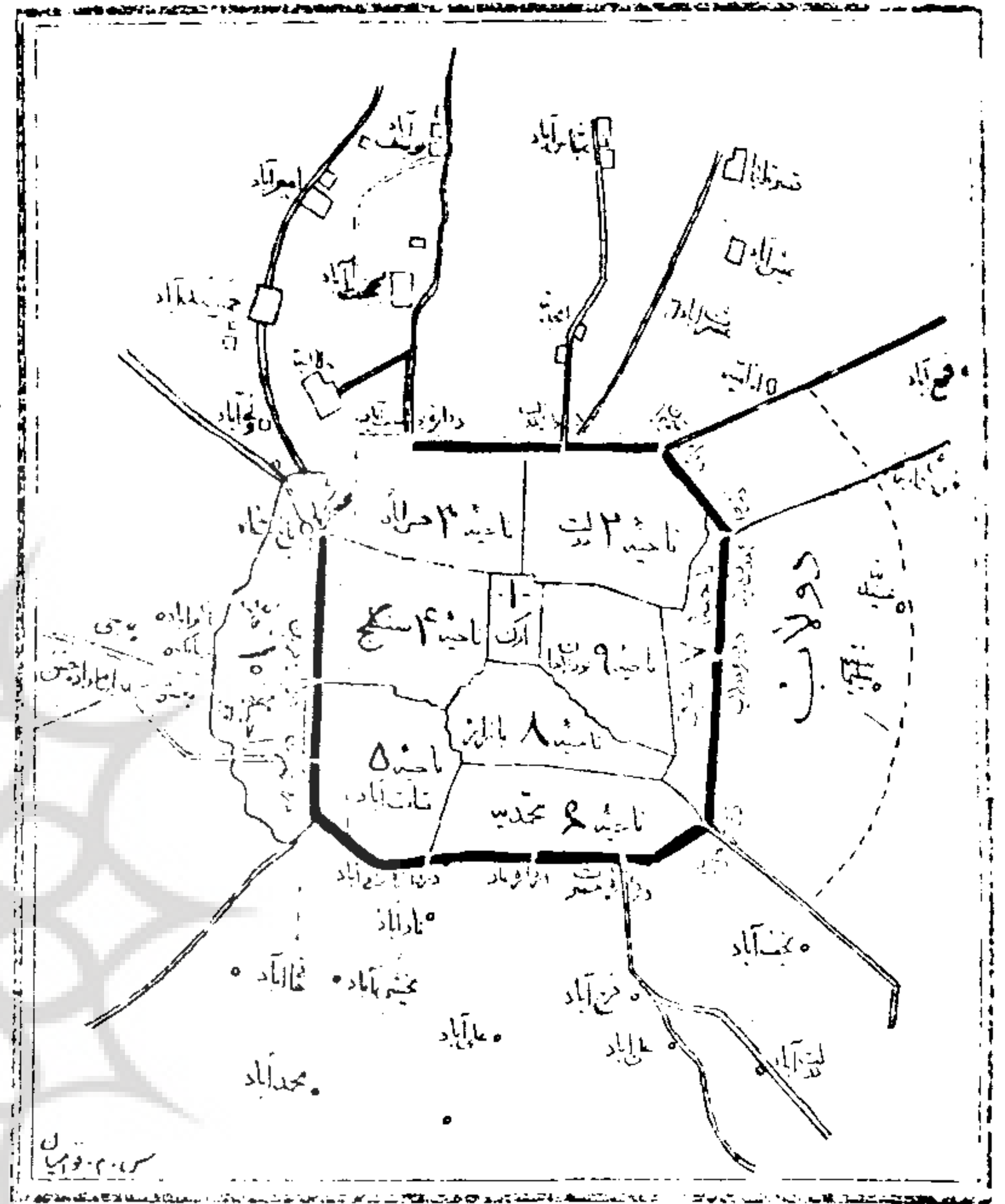
نقشه ای از وضعیت تهران در دوره حکومت ناصرالدین شاه، به مقیاس ۱:۱۰۰۰۰



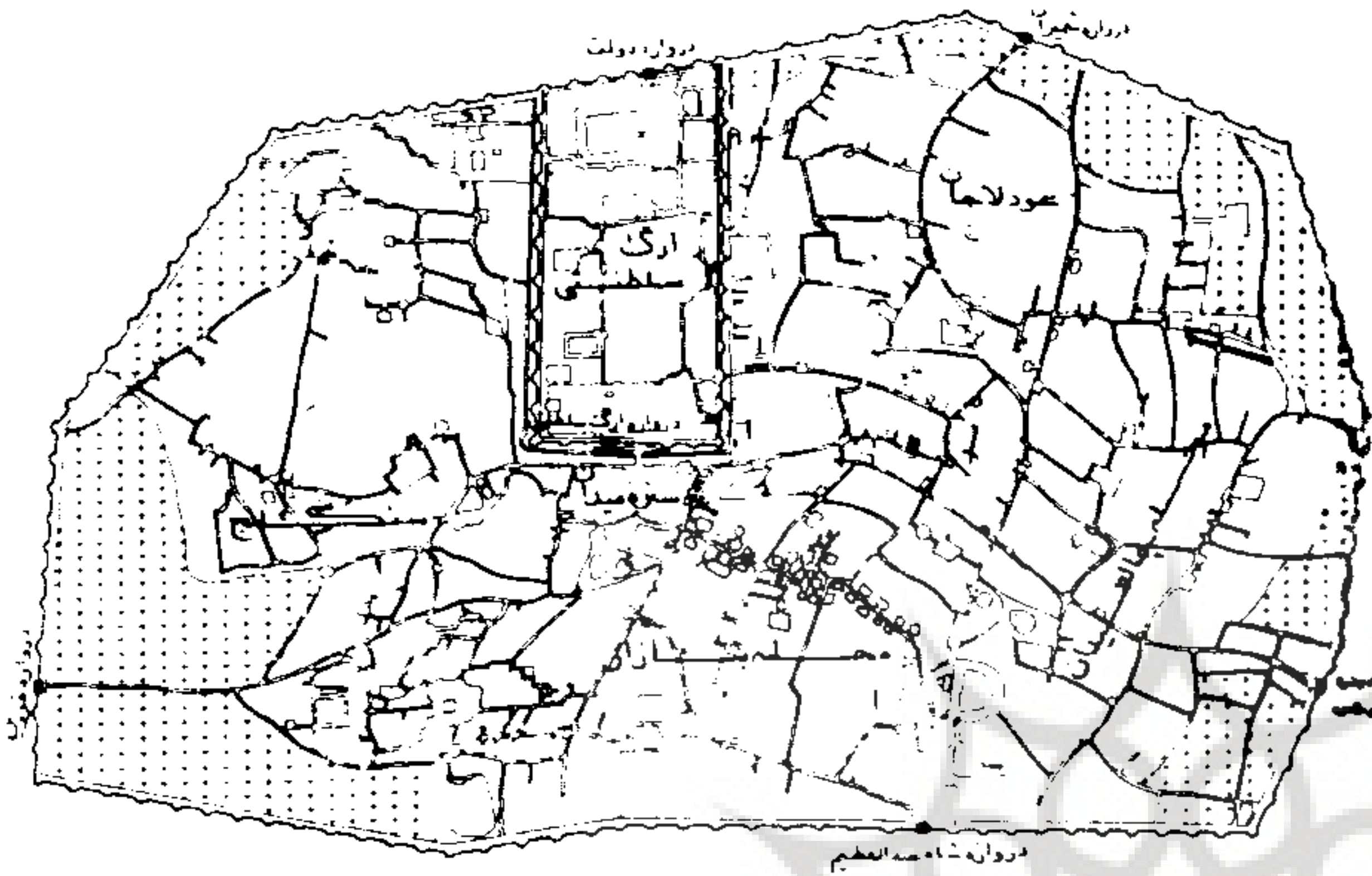
• نقشه شهر در دوره ناصر، اواخر قرن سیزدهم، بحری قمری



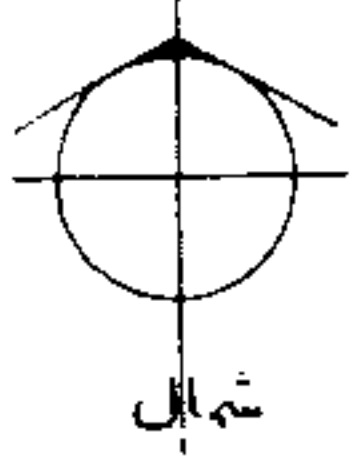
نقشه تفریبی (کرکی) شهر تهران حومه متصل بان در سال ۱۳۱۱ شمسی



حوزه سرشماری سال ۱۳۱۱ در داخل و خارج از حومه خندق

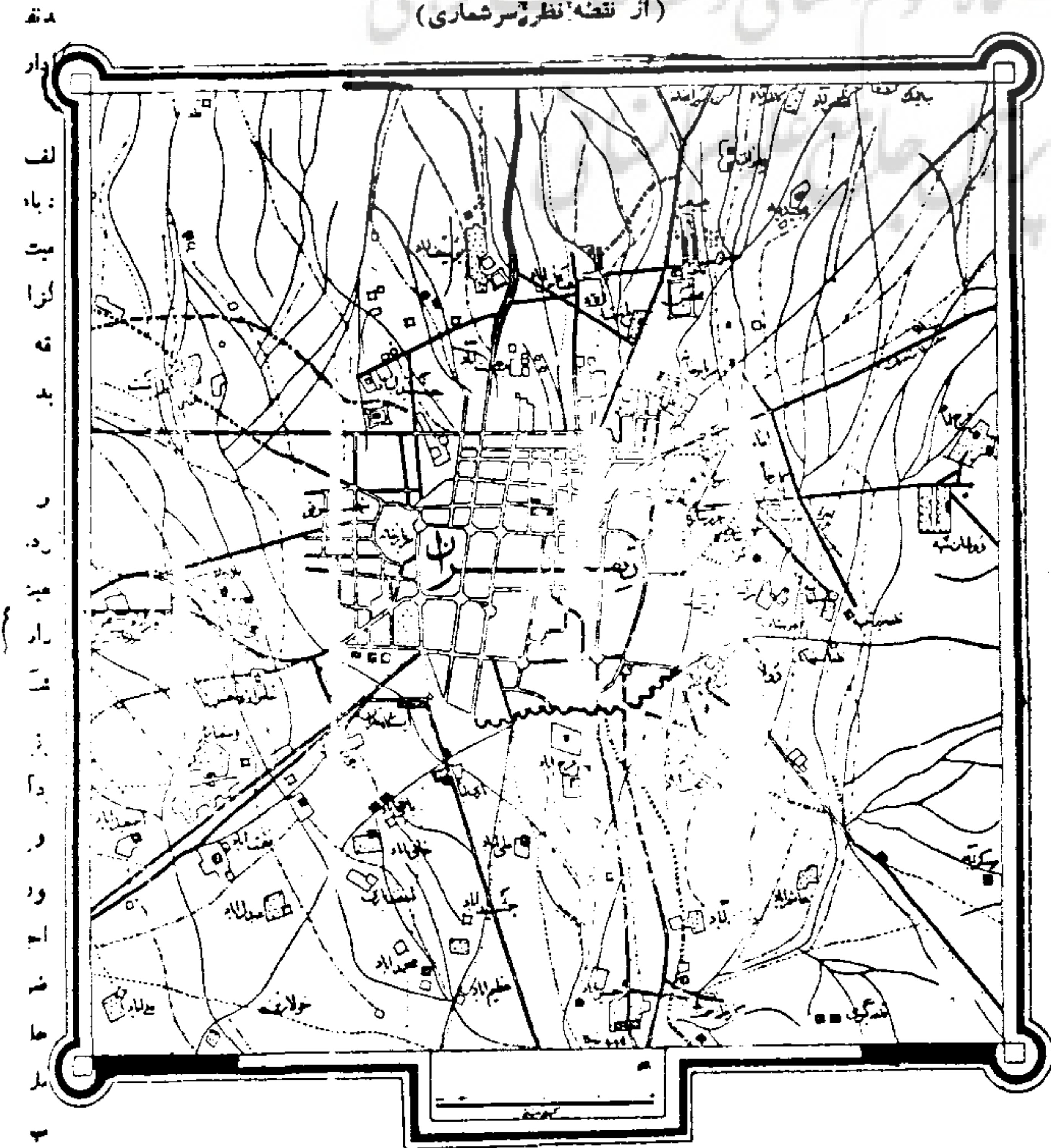


تصویر ۱۳ - تهران در سال ۱۸۸۲ میلادی (۱۲۶۲ هجری شمسی)



نقشه تهران و حومه

(از نقشه نظرساماری)



## **The process of spatial formation and development of Tehran.**

**Rajabi A., Member of University Staff, Dept.of Geography, Eslamic Free University.**

### **Abstract**

This article aims to study the historical change of tehran from a geographical view point, that is, what has led to the formation of the present areas in tehran. the writer attempts to study tehran in seven sensitive stages of its formation and compare its present areas to its previous ones. the discussion is centered on the spatial axis of tehran's old areas. In other words, the article is based on the geographical position of tehran's areas in the history of its formation.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع:

- ۱- اکارت اهلرز (ترجمه دکتر توانا، دکتر مومنی، مقاله شهر شرق اسلامی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳
- ۲- حسامیان، اعتماد و حائری، شهرنشینی در ایران، نشر آگاه، ۱۳۶۳
- ۳- رضوانی، علی اصغر، روابط متقابل شهر و روستا با تأکید بر ایران نشر دانشگاه پیام نور ۱۳۷۴
- ۴- زاوش، ح، م، تهران در گذرگاه تاریخ ایران، نشر اشاره، ۱۳۷۰
- ۵- سلطان زاده حسین، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، نشر آگاه، ۱۳۶۲
- ۶- سیفی، قمی تفرشی، مرتضی، تهران در آینه زمان، نشر آبان، ۱۳۶۹
- ۷- شکویی، حسین جغرافیای اجتماعی شهرها، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵
- ۸- شکویی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهر، نشر سمت، ۱۳۷۳
- ۹- شهری جعفر، طهران قدیم، نشر معین، ۱۳۷۱
- ۱۰- مشهدیزاده دهقانی، ناصر، تحلیلی از ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران، نشر دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۳
- ۱۱- نجمی، ناصر، دارالخلافة طهران در یکصد سال پیش، نشر ارغوان، ۱۳۶۸
- ۱۲- نظریان، اصغر، جغرافیای شهری ایران، نشر دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴
- ۱۳- منوچهری، عبدالحسین، جغرافیای تاریخی شهرها، نشر مدرسه، ۱۳۷۰